

بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه قفقاز

محمدحسین صنیعی^۱، داود رضایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

چکیده

بدون شک مهمترین راهبرد فعلی رژیم اشغالگر قدس تبعیت از اتحاد پیرامونی در منطقه خاورمیانه است. این منطقه پس از پایان جنگ سرد دچار تغییرات اساسی ژئوپلیتیکی گردید و مکان جغرافیایی پیرامون در طرح اتحاد پیرامونی این رژیم به علت تداوم سیاست ضد صهیونیستی ایران و تبدیل آن به مهمترین تهدید راهبردی رژیم اشغالگر قدس، از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق همجوار ایران تغییر یافته است. در این میان، جمهوری آذربایجان به عنوان نقطه عزیمت راهبرد «اتحاد پیرامونی جدید» این رژیم قرار گرفته است. با این توصیف، این مسئله به ذهن محققین متبادر شده است که جمهوری آذربایجان از چه بسترهای اجتماعی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ این تحقیق برای شناسایی بسترهای اجتماعی جمهوری آذربایجان، از متون علمی استفاده و به منظور اولویت‌بندی بسترهای مشخص‌شده، از نتایج پرسش‌نامه بهره‌گیری شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را استادان مقاطع دکتری و کارشناسی‌ارشد مرتبط با موضوع در مراکز علمی و دانشگاه‌های مختلف، جمعاً به تعداد ۴۵ نفر به روش تمام شمار در بر می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب شاخص‌های «خبگان غرب‌گرا در جمهوری آذربایجان، دوری آذری‌ها از اندیشه و آرمان‌های اصیل اسلامی در پی سلطه طولانی کمونیسم و حضور و نفوذ یهودیان جمهوری آذربایجان» از مهمترین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

واژگان کلیدی: بسترهای سیاسی، جمهوری آذربایجان، رژیم اشغالگر قدس.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی. نویسنده مسئول saniee@sndu.ir

۲. دکترای امنیت ملی و پژوهشگر

مقدمه

بدون تردید برای هر کشور و نظام سیاسی آن شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی آن را تهدید می‌کند از اولویت اساسی برخوردار است زیرا این‌گونه تهدیدات به راحتی می‌توانند در راه حرکت عمومی و مسیر پیشرفت و توسعه یک جامعه، موانع جدی ایجاد نموده یا موجودیت و هویت ملی یک کشور را به مخاطره اندازند. در نتیجه برای کسب آمادگی متناسب و متعادل برای مقابله با هر تهدیدی نخست باید ماهیت، ابعاد و پیامدهای آن را با وضوح و دقت بیشتر شناسایی کرد تا از هدر رفتن منابع ارزشمند خود از یک سو و غافلگیری و صدمه پذیری از سوی دیگر، جلوگیری به عمل آورد.

جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان محیط امنیتی پیرامونی خود، از شرایط ویژه‌ای در تعاملات بین‌المللی برخوردار است و هرگونه افزایش سطح تأثیرگذاری و نفوذ کشورهای فرا منطقه‌ای را با دقت و حساسیت مدنظر دارد این مسئله ناشی از آن است که هرگونه همکاری سیاسی-اقتصادی کشورهای منطقه‌ای قفقاز جنوبی با کشورهای واگرا با سیاست‌گذاری‌های امنیتی- راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در راستای کاهش سطح تأثیرگذاری مثبت و تهدیدی برای امنیت ملی ایران تلقی گردد. تغییر ژئوپلیتیک محیط پیرامونی ج.ا.ا بعد از جنگ سرد (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، جمهوری آذربایجان که دارای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ممتازی است؛ مورد توجه سیاسی، امنیتی و اقتصادی بازیگران فرا منطقه‌ای و متعارض با ج.ا.ا از جمله رژیم اشغالگر قدس قرار گرفت. این کشور نیز به خاطر مشکلات اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای خود، بهره‌گیری از توانایی‌های رژیم اشغالگر قدس را در راستای منافع خود مفید قلمداد نمود؛ اما مسئله حائز اهمیت در این میان، قرار گرفتن این کشور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی- ایدئولوژیکی ج.ا.ا با رژیم اشغالگر قدس است. به‌طوری که حضور و گسترش نفوذ این رژیم در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی- امنیتی فضای لازم را برای تأمین اهداف سیاسی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس در قبال ج.ا.ا به‌عنوان مهمترین دشمن راهبردی آن رژیم فراهم نموده است.

با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، جمهوری آذربایجان (به علت جذابیت‌های استراتژیکی، امنیتی، اقتصادی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) مورد توجه قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله رژیم

اشغالگر قدس قرار گرفت و نفوذ گسترده در این منطقه در دستور کار سیاست خارجی این رژیم قرار گرفت. در واقع سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال جمهوری آذربایجان را باید در تداوم سیاست راهبرد پیرامونی (راهبرد بن گوریون) مبنی بر پیگیری اتحادهای منطقه‌ای در حلقه دوم همسایگان غیر عرب و طرح خاورمیانه‌ای شیمون پرز (خاورمیانه جدید) دانست. از سوی دیگر حاکمان جمهوری آذربایجان، این رژیم را به عنوان دروازه ورود به غرب و به خصوص آمریکا قلمداد نموده و به رغم نارضایتی روسیه و ایران در برقراری روابط دیپلماتی با این رژیم، بسیار سریع عمل نمودند. رژیم اشغالگر قدس از حضورش در جمهوری آذربایجان اهداف و سیاست‌های خاصی را تعقیب می‌نماید که از آن جمله می‌توان به خروج از انزوای سیاسی در خاورمیانه، خارج شدن از اتهام تقابل با کشورهای اسلامی، مبارزه با رشد اسلام‌گرایی، دستیابی به منابع نفتی و گازی و نفوذ اقتصادی و فرهنگی و نزدیکی به مرزهای ج.ا.ا اشاره نمود.

بدون شک برای حضور هر کشور یا رژیمی در منطقه یا کشوری دیگر، بایستی بسترهایی فراهم باشد؛ بنابراین برای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان نیز بسترهایی لازم است که از مهمترین آنها می‌توان به بسترهای سیاسی موجود در این کشور اشاره کرد. با این توضیح، مهمترین مسئله‌ای که در ذهن محقق نقش بسته، این است که جمهوری آذربایجان از چه بسترهای سیاسی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ از این رو محقق تلاش خواهد نمود تا در قالب این تحقیق بتواند این بسترها را تبیین و بررسی نماید.

جایگاه محوری ایران در منطقه چهارگانه خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و آسیای جنوب غربی از یک طرف و حضور آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در این مناطق از طرفی دیگر، بیشترین بار تغییرات محیطی را بر کشور ما وارد کرده است. با توجه به قابلیت‌های دسترسی و برقراری ارتباط، یقیناً منطقه قفقاز جنوبی (به خصوص کشور جمهوری آذربایجان) می‌تواند در بین مناطق چهارگانه پیرامون ج.ا.ا، از بهترین بسترها و ظرفیت‌ها برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار باشد.

حضور رژیم اشغالگر قدس و همکاری با کشورهای این منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان، باهدف انتقال نگرانی‌های امنیتی خود به جدار مرزهای ایران و افزایش آسیب‌پذیری ج.ا.ا است. به طور

اختصار، مهمترین دلایل موجود برای بررسی این تحقیق در قالب اهمیت و ضرورت پرداختن به آن عبارت‌اند:

- ۱- همسایگی ج.ا.ا با جمهوری آذربایجان.
 - ۲- حضور فعال کشورهای فرا منطقه‌ای متعارض با ج.ا.ا در این کشور.
 - ۳- اولویت یافتن برقراری ارتباط با دولت‌های غربی و رژیم اشغالگر قدس در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان.
 - ۴- وجود مصداق‌هایی از اقدام رژیم اشغالگر قدس علیه امنیت ملی کشورمان از جمهوری آذربایجان.
- بنابراین ضروری است ظرفیت‌های جمهوری آذربایجان که بسترساز حضور رژیم اشغالگر است مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا غفلت از این موضوع موجب آسیب‌پذیری و از دست رفتن فرصت برای مواجهه با تهدید رژیم اشغالگر قدس از ناحیه جمهوری آذربایجان علیه کشورمان می‌گردد.
- از این رو سوال اصلی تحقیق بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس چگونه است ؟

مبانی نظری

پیشینه‌های که در این تحقیق مورد بهره برداری قرار گرفته است عبارت است از: حضور نیروهای فرا منطقه‌ای (متعارض با ایران) در جمهوری آذربایجان از جمله آمریکا و رژیم اشغالگر قدس فضای لازم را برای حضور این کشورهای به‌ویژه رژیم اشغالگر قدس در جوار مرزهای کشورمان فراهم آورده است؛ بنابراین ضروری است؛ ظرفیت‌های کشور جمهوری آذربایجان که بسترساز حضور رژیم اشغالگر قدس علیه جمهوری اسلامی است؛ مورد مذاقه قرار گیرد؛ تاکنون تحقیقات متعددی در خصوص مسایل امنیتی قفقاز و جمهوری آذربایجان صورت گرفته است که مشخصات، چکیده مفهومی و دستاورد علمی تعدادی از آن‌ها به شرح زیر است:

امیر ساجدی در مقاله‌ای با عنوان طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و رژیم صهیونیستی که در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی در سال ۱۳۹۰ چاپ گردیده است عنوان می‌کند: پس از فروپاشی و ایجاد موقعیت جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، برای رژیم صهیونیستی یک کشور خاورمیانه‌ای فرصتی پدید آمد تا از طریق ارتباط با کشور آذربایجان در منطقه‌ی قفقاز جنوبی دارای نفوذ گردد.

اکبر مهدی زاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهداف و خط مشی‌های رژیم صهیونیستی در آسیای میانه و قفقاز» که در سال ۱۳۸۰ در ماهنامه نگاه به چاپ رسید، اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که بسط نفوذ اسرائیل در قفقاز، عمیقاً ناظر به کسب مشروعیت (به مثابه مهم‌ترین چالش هویتی رژیم اشغالگر قدس) و خروج از انزوای سیاسی بوده است.

حسن کامران دستجردی، در مقاله‌ای با عنوان «حضور اسرائیل در قفقاز و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با کاربرد نظریه بازی‌ها)» که توسط فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران در سال ۱۳۹۰ چاپ شده است، عنوان می‌کند: اسرائیل به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرا منطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس اصول (دکترین) بن گوریون و نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در منطقه قفقاز از خود نشان داده است. آثار پیش‌گفته هر یک به نحوی ابعاد روابط و تعاملات رژیم اشغالگر قدس را با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی مورد توجه قرار داده‌اند.

نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز: در این نظریه بر این اصل که به علت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با رژیم صهیونیستی، امکان همکاری-های سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نیست، آمده که رژیم صهیونیستی بایستی به دنبال کشورهای غیر عرب منطقه باشد بنابراین رژیم صهیونیستی می‌بایستی تمام انرژی خود را در خاورمیانه جدید که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می‌شود به کار گیرد. بر اساس این نظریه موفقیت در ایجاد رابطه با کشور آذربایجان مسلمان نه تنها چهره ضد اسلامی رژیم صهیونیستی را در جهان از بین خواهد برد و از یک اتحاد ضد رژیم صهیونیستی از طرف تمامی کشورهای مسلمان جلوگیری می‌نماید بلکه منافع سیاسی-اقتصادی زیادی برای رژیم صهیونیستی دربر خواهد داشت. ایجاد روابط سیاسی رژیم صهیونیستی با آذربایجان و دیگر کشورهای تازه استقلال یافته و گسترش آن می‌تواند تا حدودی گسترش نفوذ متحد راهبردی رژیم صهیونیستی یعنی آمریکا را در این مناطق شدت بخشد. این روابط نه تنها می‌تواند در برگیرنده منافع رژیم صهیونیستی باشد بلکه تا حدودی جبران کاهش اهمیت رژیم صهیونیستی برای آمریکا بر اثر فروپاشی شوروی می‌کند. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

اصول پیرامونی رژیم صهیونیستی: طرح پیرامونی^۱ توسط استراتژیست های رژیم صهیونیستی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار شد و آن اشاره دارد به وضعیت کشور کوچکی که در بین همسایگان متخاصم بزرگ قرار گرفته است. رژیم صهیونیستی کشوری است که از بدو تأسیس تا امروز مشکلات زیادی با همسایگان عرب خود داشته و دارد و عدم پذیرش از سوی همسایگان و جنگ های متعدد بین آنها نشان از اختلاف اساسی بین آنها دارد. (ساجدی، ۱۴۵: ۱۳۹۰) در واقع کشور کوچک هفت میلیونی رژیم صهیونیستی در محاصره کشورهای چند صد میلیونی عرب خاورمیانه قرار گرفته و امکان داشتن روابط عادی اقتصادی و امنیتی با آنها را دارا نیست. بدین سبب بن گوریون (اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی) و دیگر استراتژیست های رژیم صهیونیستی این گونه اظهار نمودند که رژیم صهیونیستی به عنوان یک جزیره ای است در میان دریای مسلمان که می بایست از میان برخی کشورهای ساکن در حوزه خارج دنیای عرب برای خود دوستان و هم پیمانی را پیدا نماید. محدوده طرح پیرامونی می تواند در طول زمان تغییر نماید. دولت مردان رژیم صهیونیستی در راستای طرح پیرامونی موفق گردیدند اتحادی را با همکاری ایران، ترکیه و اتیوپی شکل دهند. با سرنگونی شاه و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ این اتحاد شکسته شد. از این زمان به بعد دولت مردان رژیم صهیونیستی برای اجرای طرح پیرامونی سعی نمودند تا با دیگر کشورهای همجوار خاورمیانه اتحادی را برقرار نمایند. (تقی پور، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

رژیم اشغالگر قدس؛ موانع، سیاست ها و راهبردهای رژیم صهیونیستی: رژیم اشغالگر قدس با ۲۰/۷۰۰ کیلومترمربع مساحت در جنوب غرب آسیا و در ناحیه خاورمیانه واقع گردیده است. این کشور کم وسعت دارای ۷.۴۶۵.۰۰۰ نفر جمعیت است که اعراب ۲۰ درصد آن را تشکیل می دهند. در این کشور یهودیان با جمعیتی حدود پنج و نیم میلیون نفر و مسلمانان با بیش از یک و نیم میلیون نفر و همراه با اندکی مسیحی جمعیت رژیم اشغالگر قدس را تشکیل می دهند. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

جامعه رژیم اشغالگر قدس، جامعه ای مهاجر است که با تشویق و تهدید، یهودیان را از سراسر جهان به این سرزمین وارد کرده است. به علاوه، این یهودیان مهاجر به سرزمینی وارد شده اند که بخش

^۱ Peripherty Strategy/ Peripherty Plan

گسترده‌ای از آن، در اختیار جمعیت بومی و ساکنان عرب بوده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری ترکیبی ناهمگون از جمعیت است که شکاف‌های اجتماعی گوناگون را سبب شده و همبستگی درونی این کشور را با مشکل مواجه کرده است. (افتخاری، ۱۴۰۴: ۱۳۸۰)

از نظر افکار عمومی دنیای اسلام، رژیم اشغالگر قدس به لحاظ این که در شرایط ناامنی و جنگ، بقای خود را با کشتار و تصرف زمین به‌دست آورده، زیر سؤال است و به این دلیل همواره با ناامنی ناشی از شرایط محیطی روبه‌رو است. (حجت شمامی، ۱۳۹۰: ۳۹)

با وقوع انقلاب اسلامی، ایران به عنوان شریک راهبردی رژیم صهیونیستی به دشمن راهبردی این رژیم تبدیل گردید. به همین دلیل راهبرد ماوراء افق مورد توجه این رژیم قرار گرفت. طبق این راهبرد رژیم اشغالگر قدس به سمت کشورهای پیرامونی ایران توجه نمود تا یک تهدید امنیتی را علیه ایران سازمان‌دهی نماید. در بین کشورهای پیرامونی ایران، کشورهای عراق، آذربایجان و ترکیه به علت ویژگی مناسب جغرافیایی، نژادی، مذهبی و ... مورد توجه قرار گرفتند که از این بین ترکیه و آذربایجان کشورهایی بود که با توجه به اهداف سران لائیک این کشورها مبنی بر جلب نظر غرب به رژیم اشغالگر قدس چراغ سبز نشان دادند. (ساوه درودی، ۱۳۸۸: ۳۰)

رژیم اشغالگر قدس با حضور در منطقه قفقاز و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشور آذربایجان به دنبال تضعیف عامل دین در مناقشه خود با اعراب و افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای خویش است؛ مهاجرت یهودیان منطقه به سرزمین‌های اشغالی را تسهیل کند و یا این که با حمایت از آن‌ها در مواقع لزوم از آن‌ها به‌عنوان گروه ذی‌نفوذ در امور اقتصادی و سیاسی در جهت تأمین منافع ملی خویش در منطقه سود جوید. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

وضعیت جمهوری آذربایجان سیاست‌ها و اهداف: جمهوری آذربایجان یکی از جمهوری‌های سه گانه قفقاز جنوبی است که در همسایگی ایران و در قسمت شمال غربی آن قرار دارد. وسعت آذربایجان، ۸۶.۶۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که از دو بخش جغرافیایی جدا از هم تشکیل شده است. بخش بزرگ و اصلی آن ۸۱.۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و جمهوری خود مختار نخجوان به عنوان بخش کوچک‌تر شامل ۵.۵۰۰ کیلومتر مربع از اراضی کشور می‌شود که توسط خاک ارمنستان از پیکره اصلی این کشور جدا شده است. در حال حاضر از این مقدار وسعت جغرافیایی، منطقه خود مختار قره‌باغ با ۴.۴۰۰ کیلومتر مربع و ۷ شهرستان این جمهوری که جمعا به میزان

۱۷.۳۲۰ کیلومتر مربع و حدود ۲۰ درصد از خاک آذربایجان را تشکیل می‌دهد، در پی جنگ‌های سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ میلادی، از دست این کشور خارج شده است. از جمله همسایه‌های این کشور ایران با ۷۶۵ کیلومتر مرز مشترک در جنوب، گرجستان با ۴۸۰ کیلومتر و ارمنستان با ۱۰۰۷ کیلومتر مرز مشترک در غرب و روسیه با ۳۹۰ کیلومتر مرز مشترک در شمال می‌باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۶)

پیروان دین اسلام در جمهوری آذربایجان ۹۳/۴ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد آن‌ها شیعه‌مذهب و ۳۰ درصد نیز سنی (حنفی) مذهب هستند. در قانون اساسی این کشور اسمی از تشیع به میان نیامده است، در واقع جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعه‌مذهب دنیا به نسبت درصد جمعیت خود است. در کنار جمعیت غالب مسلمان این جمهوری اعم از شیعه و سنی، تعدادی مسیحی و یهودی نیز زندگی می‌کنند. (کیانی، ۱۳۹۰: ۵۹)

جمهوری آذربایجان از کشورهای دارنده نفت و گاز جهان به شمار می‌رود و از ذخایر قابل توجهی در این بخش برخوردار است. درباره میزان ذخایر نفت و گاز این کشور، آمار و ارقام متفاوتی از سوی مؤسسات مطالعاتی ارائه شده است. برخی از شرکت‌ها و مؤسسات نفتی، میزان ذخایر نفت آذربایجان را از ۷ تا ۱۲/۵ میلیارد بشکه اعلام کرده‌اند. علاوه بر این میزان ذخایر گاز این کشور نیز همراه با ارقام متفاوت و از ۳۰ تریلیون تا ۴۰ تریلیون فوت مکعب ذکر شده است. در سال‌های اخیر به دنبال بهره‌برداری از خطوط انتقال نفت و گاز باکو - تفلیس - جیحان و همچنین خط لوله باکو - تفلیس - ارز روم، میزان تولید و صادرات نفت و گاز این کشور افزایش چشم‌گیری یافته است. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۳)

جمهوری آذربایجان علاوه بر منبع عظیمی همچون: نفت، گاز و وابستگی اقتصادی به نفت و گاز، از معادن غنی (آهن، آلومینیوم، مس، جیوه، طلا، سدیم، منیزیم، مصالح ساختمانی، سرامیک و چینی، سنگ‌های نیمه قیمتی، آب‌های معدنی) برخوردار است. (کیانی، ۱۳۹۰: ۵۷)

فرهنگ اجتماعی جمهوری آذربایجان تحت تاثیر تبلیغات هفتادساله کمونیست‌ها در گذشته و تهاجم فرهنگی غرب پس از استقلال وضعیت مطلوبی ندارد. فعالیت شدید مراکز فرهنگی و آموزشی کشورهای غربی در آذربایجان و دریافت برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی این کشورها به‌ویژه ترکیه، موجب اشاعه فرهنگ منحط غربی در این جمهوری به‌خصوص در بین

جوانان گردیده است. این موضوع سبب گردیده تا اکثریت آذری‌ها با فرهنگ ملی خود بیگانه و به فرهنگ جدید وارداتی گرایش یابند. سلطه ۷۰ ساله کمونیست‌ها در این کشور تضعیف اعتقادات مذهبی و مبانی اخلاقی در مردم جمهوری آذربایجان را به دنبال داشته است. اغلب مردم جمهوری آذربایجان از نظر معیشتی به شدت در تنگنا بوده و مشکلات اقتصادی موجب گسترش فقر، فساد و فحشاء در میان اقشار مختلف مردم این کشور گردیده است. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۳۸)

با توجه به شکل‌گیری مناقشه قره‌باغ و وقوع جنگ میان آذربایجان و ارمنستان در همان اوان فروپاشی و بدو استقلال این جمهوری‌ها، روابط و سیاست خارجی باکو با این مناقشه گره خورد و تحت تأثیر آن شکل گرفت. به‌خصوص که در پی این جنگ، ۲۰ درصد خاک آذربایجان از سوی ارمنی‌ها تصرف شد و پس از برقراری آتش بس در سال ۱۹۹۴ میلادی، دو طرف با وساطت گروه «مینسک» مشغول مذاکره برای حل و فصل این مناقشه هستند. (امیر احمدیان، ۱۳۸۶: ۶۵)

جمهوری آذربایجان پس از استقلال، باهدف ایجاد یک نظام و ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدید، الگوی غرب را انتخاب کرد و تلاش نمود تا بافاصله گرفتن از مسکو در این زمینه‌ها چهره‌ای غربی از خود ارائه نماید. تلاش برای پیوستن به ساختارهای غربی نظیر پارلمان اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و نیز همکاری با ناتو در این راستا قابل تحلیل است.

روابط جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس: روابط جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۷ همزمان با افتتاح سفارت رژیم اشغالگر قدس در باکو با پیام حیدر علی‌اف (رئیس‌جمهور سابق آذربایجان) تحقق یافته است. پس از فروپاشی کمونیسم و استقلال جمهوری آذربایجان، صهیونیست‌ها در اولین مرحله، موضوع بهره‌برداری از یهودیان آذربایجان را به‌عنوان افرادی که می‌توان به‌وسیله آن‌ها در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آذربایجان علیرغم اکثریت شیعه این کشور نفوذ کرد و به‌عنوان حافظان منافع نامشروع اسرائیل استفاده نمود، در اولویت قرار دادند. از این‌رو سازمان‌دهی یهودیان داخل و ایجاد تشکیلاتی قوی برای آن‌ها و فرستادن نمایندگان یهودی به مجلس آذربایجان را در دستور کار قرار داده و در مدت کوتاهی گروه دوستی پارلمانی رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان را پایه‌گذاری کرد به گونه‌ای که اکنون به‌عنوان پایگاه نفوذ سیاست‌های رژیم اشغالگر قدس در باکو عمل می‌کند. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۹۰)

بنا بر اظهارات مقامات رژیم اشغالگر قدس، مناسبات متقابل بین جمهوری آذربایجان و این رژیم در پنج زمینه اصلی و راهبردی (اجتماعی، اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی) برقرار است. رژیم اشغالگر قدس با توجه به نزدیکی آذربایجان به ایران نگاهی راهبردی به توسعه حوزه نفوذ خود در جمهوری آذربایجان داشته و این امر را با برنامه‌ای دقیق و فارغ از تبلیغات در حال پیشبرد دارد. مهمترین اهداف رژیم اشغالگر قدس برای حضور در جمهوری آذربایجان عبارت‌اند از:

- تلاش برای جداسازی این کشور از پیکره جهان اسلام.
- به‌دست آوردن بازارهای اقتصادی جدید برای عرضه و فروش محصولات تولیدی خود.
- جلوگیری از نفوذ معنوی و فرهنگی ج.ا.ا در آذربایجان با توجه به همسایگی دو کشور.
- برنامه‌ریزی بلندمدت برای هرگونه اقدام علیه ج.ا.ا.
- شناسایی گروه مخالف و موافق ج.ا.ا و برقراری ارتباط با گروه مخالف ج.ا.ا.
- افزایش حضور و نفوذ در جمهوری آذربایجان برای کنترل رفتار ج.ا.ا.
- ترویج تفکرات صهیونیستی و تسهیل مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی.
- بهره‌برداری از منابع انرژی منطقه دریای خزر و تأمین نفت مورد نیاز از جمهوری آذربایجان و مشارکت در پروژه‌های انتقال انرژی.
- همکاری و ایجاد روابط با یک کشور مسلمان و شیعه (با توجه به حاکمیت لائیک) و به‌دست آوردن وجهه سیاسی مبنی بر اینکه آن رژیم با یک کشور اسلامی دارای روابط خوب و قوی است. در تعامل دوسویه کشور آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس، آذری‌ها نیز برای خود اهدافی در پیش گرفته‌اند که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- بهره‌برداری از توانمندی‌های رژیم اشغالگر قدس در باره کمک‌های مالی و توسعه اقتصادی
- بهره‌برداری از لابی یهودیان در مقابل لابی ارمنی‌ها در حل مسائلی مانند مناقشه قره‌باغ.
- جلب رضایت آمریکا برای کمک و پشتیبانی سیاسی و مالی از آنان.
- مطرح کردن خود در مجامع بین‌المللی و سیاسی به‌عنوان یک کشور لائیک دارای روابط با رژیم اشغالگر قدس.

کمرنگ کردن تعصبات اسلامی مردم و احزاب جمهوری آذربایجان نسبت به این رژیم برای جلوگیری از هرگونه حرکت اسلامی احتمالی علیه جمهوری آذربایجان. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۹۴)

بسترهای سیاسی برای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان: بستر سیاسی به امور مربوط به دولت، حکومت، سیاست داخلی و خارجی که می‌تواند زمینه و مقدمات برای اقدام یا کاری را فراهم کند اطلاق می‌گردد. در این بخش محقق سعی نموده است؛ واقعیت‌های نظام سیاسی جمهوری آذربایجان که زمینه‌ساز حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است را بررسی نماید. تحقیقات انجام‌شده و بررسی‌های تخصصی به عمل آمده در متون و منابع موجود و همچنین تلخیص بسترهای مورد نظر نشان می‌دهد که بسترهای سیاسی مورد نظر می‌تواند در ۱۶ مورد زیر خلاصه شود که سعی گردیده است هر کدام از آنان به تفصیل در ادامه آورده شود تا منظور محقق از این بسترهای تبیین شود:

نظام سیاسی حاکم جمهوری آذربایجان: نظام سیاسی کشور آذربایجان، جمهوری است. این نظام دموکراتیک بوده و دارای شاخصه‌های قانونمندی و سکولاریسم است. البته در عمل جنبه‌های دموکراتیک نظام سیاسی این کشور، بسیار کمرنگ‌تر از مواضع اعلامی است. حاکمیت در جمهوری آذربایجان در دوره اتحاد جماهیر شوروی بر پایه آتئیسم و الحادگری استوار بود و علاوه بر اینکه از هویت دینی شهروندان به مثابه بخشی از حقوق انسانی آنها حمایت نمی‌کرد سیاست‌های ضد دینی سرسختانه‌ای را اعمال می‌نمود. پس از استقلال کشور، ماهیت نظام سیاسی و حاکمیت کشور با جهت‌گیری دنیوی و سکولاریستی تعیین شد. ساختار و نوع نظام سیاسی حاکم بر جمهوری آذربایجان در پی ارائه تصویری لائیک و سکولار از خود است و به‌موازات آن تلاش می‌کند چهره‌ای متساهل و دارای مدارای بیشتر در مسائل و موضوعات دینی- فرهنگی، از خود به نمایش بگذارد. با این انگیزه، دولت باکو در تلاش است از یک‌سو با همه کشورها و ملت‌هایی که در این چارچوب حرکت می‌کنند پیوستگی و مفاهمه برقرار نماید و از سوی دیگر از هویت‌یابی تاریخی- دینی واقعی مردم خود که مبتنی بر دو عنصر «تشیع» و «فرهنگ و مدنیت شرقی- ایرانی» است؛ جلوگیری نماید. در این راستا مقامات جمهوری آذربایجان اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی قائل هستند، تلقی مقامات این کشور از رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یک جامعه سرمنشق یعنی کشوری کوچک اما از نظر سیاسی و اقتصادی قوی و درعین حال دموکراتیک و سکولار (غیردینی) برای مقامات آذربایجان امیدبخش بوده است. از نظر ایشان رژیم اشغالگر قدس برای دولت‌های خاورمیانه تهدید است اما برای آذربایجان یک فرصت است. (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۲۶)

بنابراین می‌توان گفت: نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف: جدایی از اتحاد جماهیر شوروی، فائق آمدن بر بزرگ‌ترین مشکلی که بلافاصله پس از استقلال با آن دست‌به‌گریبان شد یعنی از دست دادن ۲۰ درصد از خاک کشور در نتیجه جنگ با ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی، و برون‌رفت از مشکلات داخلی، مستلزم پشتوانه‌ها و نقاط اتکایی بود که رهبران باکو به‌نوبه خود در پی یافتن آنها برای تضمین موفقیت راهی که در پیش گرفتند، بودند. رهبران حاکم بر باکو در فراسوی مرزهای خود در پی جلب حمایت و پشتیبانی کشورها و قدرتهایی بر می‌آمدند تا تجربه سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ که آذربایجان برای مدت کوتاهی مستقل و سپس توسط ارتش سرخ به شوروی ملحق شد تکرار نشود. مردم و به تبع آن رهبران باکو دل خوشی از مسکو و حاکمان کرملین نداشتند و برای اینکه تا همیشه از سلطه آنها رهایی یابند، متمایل به غرب و کشورهای غربی شدند تا زیر سایه آنها از تداوم کدخدایی و حکمرانی روس‌ها بر سرنوشتشان در امان باشند. بر این اساس دیپلماسی خارجی خود را در جهت نیل به این هدف فعال کرده و هرچه در توان داشتند بکار گرفتند تا به اروپا و آمریکا و برخی اقمار و نمایندگان آنها نظیر ترکیه در حد امکان بیشتر نزدیک شوند. بنابراین احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف یکی از انگیزه‌های اصلی تحرک دیپلماتی باکو در عرصه‌های بین‌المللی و فعال شدن آن در جهت ورود به معادلات منطقه‌ای و جهانی است. که این موضوع بستری برای حضور این رژیم در جمهوری آذربایجان دانست.

جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و کشاورزی در جمهوری آذربایجان: کشور آذربایجان با وجود منابع طبیعی غنی و ارزشمند مانند نفت و گاز طبیعی، ذخایر مواد معدنی، زمین‌های کشاورزی و زراعی پهناور، به علت ضعف اقتصادی و سیاسی پس از استقلال به دنبال جلب حمایت و کمک‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری و تقویت این زیرساخت‌ها است و رژیم اشغالگر قدس نیز با مغتنم شمردن این فرصت در حوزه‌های نفت و گاز، کشاورزی، فناوری و مخابرات سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده که در ادامه به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود. از جمله این سرمایه‌گذاری‌ها اختصاص مبلغ ۸۰ هزار دلار در منطقه لنکران در جنوب آذربایجان جهت بالا بردن سیستم آبیاری منطقه (سیستم آبیاری قطره‌ای) و یا سرمایه‌گذاری در بخش سیستم تلفن همراه آذربایجان با نام باکسل به‌عنوان اپراتور دوم و یا همکاری با بانک توسعه و

صنعت در ساخت مرکز آزاد تجاری در شهر سومقائیت آذربایجان با سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیون دلاری و یا سرمایه‌گذاری در پروژه استخراج و حمل‌ونقل نفت آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس که توافق‌نامه آن در زمان سفر نتانیاهو به آذربایجان در سال ۱۹۹۷ منعقد شده بود، همچنین سرمایه‌گذاری این رژیم در ایجاد مزارع کشت صیفی‌جات و گوجه‌فرنگی در مناطق جنوبی آذربایجان و پرورش ماکیان و یا سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و تأمین لوازم مورد نیاز بیمارستان کودکان و بیمارستان مرکزی باکو را ذکر کرد. (روزنامه ملت چاپ باکو، ۲۵ آوریل ۱۹۹۸) عامل اقتصادی مهمترین و کارآمدترین ابزار برای بسط نفوذ رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان بوده است که خود ریشه در ضعف ساختار اقتصادی این کشور پس از استقلال است. از این منظر رژیم اشغالگر قدس به یک معنا از مهمترین نقطه‌ضعف این کشور به مثابه نقطه‌ای قوت خویش استفاده کرده است. به لحاظ اقتصادی رژیم اشغالگر قدس پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی را برای جمهوری آذربایجان ایجاد کرده است و این کشور با عنایت به نیاز خود در این زمینه‌ها متقاضی استفاده از این امکانات شده است. (کولای، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

سفر روزافزون هیئت‌های تجاری و اقتصادی دو کشور نیز نشانه‌هایی از مراودات پنهانی و آشکار دو کشور است. سفر وزیر اقتصاد رژیم اشغالگر قدس، ویکتور داریل در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ به باکو و دیدار با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس آذربایجان و روسای وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی و وزارت امور خارجه آذربایجان و عقد قراردادهایی در زمینه کشاورزی، نفت، صنایع الکترونیک و امنیت فرودگاهی خود گواهی بر میزان مراودات مقامات و اتباع دو کشور است. لازم به ذکر است برای رژیم اشغالگر قدس، برقراری روابط تجاری و اقتصادی با دیگر کشورها بیش از آن که به‌منظور کسب منافع اقتصادی باشد به‌عنوان بستری برای دستیابی به اهداف سیاسی-امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (غریابی‌زندی، ۱۳۸۷: ۲۲۸) بنابراین می‌توان احتیاج جمهوری آذربایجان به سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و کشاورزی را بستری برای حضور رژیم صهیونیستی در این کشور دانست.

ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان: در یک دیدگاه کلی، موقعیت راهبردی جغرافیایی، باوجود پیدایش فاکتورها و عامل‌های جدید اهمیت‌زا برای کشورها در قرن بیستم نظیر انرژی‌های فسیلی و... همچنان یکی از عوامل نقش‌آفرین است و گذشت صدها و هزاران سال از تاریخچه فعالیت‌های

برون مرزی و بین‌المللی دولت‌ها و ملت‌ها، نتوانسته نقش تعیین‌کننده این عامل را از بین ببرد. لذا طبیعی است که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز، بر اهمیت آن افزوده و می‌توان گفت که بعد از ذخایر نفت و گاز، دومین عاملی است که به‌عنوان پشتوانه نقش‌آفرینی برای جمهوری آذربایجان عمل می‌کند. اراضی این جمهوری به‌عنوان بخشی از قفقاز، در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی برتر و کلیدی برخوردار بوده و به سبب این موقعیت همواره در معرض توجه دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ قرار داشته است.

آذربایجان، چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران بزرگ قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهارراه مواصلاتی شرق- غرب و شمال - جنوب قرار داشته و هنوز هم به‌رغم ایجاد راه‌های ارتباطی جدید، این موقعیت را حفظ کرده است. به‌طوری که می‌توان ادعا کرد اگر امروزه این کشور کوچک فاقد نفت و گاز هم بود، باز قابلیت این را داشت که همچنان در کانون توجهات دیگران قرار گیرد. تردیدی نیست که توجه برخی سازمان‌های بین‌المللی نظیر ناتو به قفقاز بیش از آنچه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیایی آن است. برای قدرت‌های اروپایی و آمریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت راهبردی و غیرقابل چشم‌پوشی هستند، مهم است و به تنهایی کفایت می‌کند تا در معادلات قدرت‌های جهانی جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. در هر صورت سهم مهمی از پتانسیل و ظرفیت نقش‌آفرینی جمهوری آذربایجان در سطوح منطقه‌ای و جهانی به همین عامل بر می‌گردد و این کشور علاوه بر اتکا به ذخایر نفت و گاز خود، از این عامل نیز استفاده می‌کند. اهمیت آذربایجان برای آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در کنار مسئله یهودیان ساکن در آن کشور و همسایگی با ایران باشد، به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک آن است که در این راستا، زیبگنیو برژینسکی در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج» برتری آمریکا و ضرورت‌های ژئواستراتژیک آن که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، عنوان می‌کند (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳: شماره ۳۳).

«محورهای ژئوپلیتیک، کشورهایی هستند که اهمیت آنها به دلیل قدرت و انگیزه‌شان نیست بلکه موقعیت حساس و پیامدهای شرایط بالقوه آسیب‌پذیرشان برای رفتار بازیگران ژئواستراتژیک به آنها اهمیت می‌بخشد. غالباً محورهای ژئوپلیتیک را جغرافیای آنها معین می‌کند. در برخی موارد این

جغرافیا نقش خاصی در تعریف دسترسی به نواحی مهم یا سلب منابع از بازیگری عمده، ایفا می‌کند. اوکراین، جمهوری آذربایجان، کره جنوبی، ترکیه و ایران نقش محورهای ژئوپلیتیک را بازی می‌کنند که از اهمیت بسیاری برخوردارند.»

هر چند که در دوران شوروی سابق نیز مقامات رژیم اشغالگر قدس با دولت‌مردان آذربایجان ارتباطات مهمی را برقرار کرده بودند، اما با استقلال آذربایجان و نقشی که این کشور می‌توانست در آینده معادلات منطقه‌ای و جهانی بازی کند، سبب شد تا آمریکا و رژیم اشغالگر قدس به سرعت و با استفاده از ابزارهای مختلف سعی در توسعه دامنه نفوذ خود در این کشور کنند و به جهت حساسیت‌های موجود در میان کشورهای مسلمان منطقه و وجود همسایه‌ای قدرتمند و ضد رژیم اشغالگر قدس همچون ایران در مرزهای جنوبی آذربایجان، موجب شد تا پروژه نفوذ رژیم اشغالگر قدس در این کشور بدون هیچگونه تبلیغات و ایجاد حساسیتی به اجرا گذاشته شود. (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۲۵) آذربایجان محل تقاطع پنج جمهوری تازه استقلال یافته، نقطه برخورد و نزدیکی شرق و غرب، مهمترین همسایه جنوبی روسیه و مهمترین همسایه شمالی ایران است. در نتیجه شرایط جغرافیایی خاص این کشور و منابع عظیم انرژی در آن موجب شده است تا همسایگان همواره در صدد یافتن جا پایی برای خود و نفوذ در این کشور برآیند. بنابراین ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان و قرار گرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای میانه، روسیه خاورمیانه و اروپا، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

نیاز به لابی رژیم اشغالگر قدس در مقابله لابی ارامنه: استفاده از لابی یهود در مقابل لابی ارامنه در کنگره آمریکا در جهت متوقف کردن مصوبه ۹۰۷ کنگره آمریکا که در آوریل سال ۱۹۹۲ به بهانه نقض حقوق بشر در جنگ با ارمنستان تحت فشار لابی ارامنه علیه آذربایجان در کنگره آمریکا تصویب شد، بر طبق این مصوبه کاخ سفید، باکو را از کمک‌های به اصطلاح انسان دوستانه خود محروم ساخت. از جمله اقدامات مسئولان آذربایجان جهت لغو مصوبه کنگره آمریکا، دیدارهای متعدد با نمایندگان یهودی کنگره آمریکا و یا دعوت از سازمان‌های یهودی آمریکا جهت دیدار از باکو و کمک جهت نزدیکی آذربایجان به آمریکا است. از این‌رو در دیدار مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۴ نمایندگان سازمان‌های یهودی آمریکا به ریاست «باری جکیس» با رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، رئیس مجلس و رئیس کنسرسیوم نفتی فعال در آذربایجان (BP) و رئیس شرکت

ملی نفت آذربایجان انجام گرفت، رئیس‌جمهور آذربایجان به هیئت نمایندگی سازمانهای یهودیان آمریکا گفت: «ارتباط باکو با سازمانهای یهودی آمریکا، در توسعه روابط جمهوری آذربایجان با رژیم اشغالگر قدس و آمریکا تعیین کننده است». وی افزود: «در جمهوری آذربایجان یهودیان از حقوق کامل برخوردارند و دولت باکو از آنها حمایت می‌کند». در این سفر، نمایندگان سازمانهای یهودی از شهر قبا و منطقه قرمزی قصبه سی که مرکز یهودیان آذربایجان است، بازدید کردند و با مسئولان یهودی آذری در خصوص مسائل مورد علاقه خود به بحث و گفتگو پرداختند. (سایت خبری برون‌مرزی صدا و سیما، ۱۳۷۸/۴/۲۸)

مرز مشترک جمهوری آذربایجان با ایران: اساساً از لحاظ بررسی زمینه‌های حضور یا نفوذ یک کشور در کشوری دیگر، هم‌مرز بودن می‌تواند عامل مهمی باشد از این‌رو مرز مشترک جمهوری آذربایجان با ج.ا.ا به طول ۷۶۵ کیلومتر و شرایط و اقوام دو طرف مرز، بستر مناسبی برای نفوذ و اقدام اطلاعاتی در ایران است. در این راستا پوشش‌های معمول ارتباطی و اطلاعاتی بین دو کشور عبارت‌اند از:

۱. تجارت و بازرگانی و همچنین تجارت چمدانی.
 ۲. جهانگردی و ایرانگردی.
 ۳. دیدار با اقوام و بستگان به‌خصوص در جدار مرز.
 ۴. تحصیل دانشجویان و طلبه‌ها.
 ۵. زیارت (از جمله در شهرهای مشهد مقدس و قم که با این پوشش امکان تردد آنان در عمق کشورمان نیز فراهم است).
 ۶. عوامل دیپلماتی در سفارتخانه و کنسولگری.
 ۷. معالجه و استفاده از خدمات درمانی.
 ۸. تهیه مواد غذایی و مایحتاج زندگی.
- خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)
- بنابراین می‌توان گفت هم‌جواری و مرز مشترک جمهوری آذربایجان با ج.ا.ا بستر مناسبی برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

قرار داشتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم اشغالگر قدس:

راهبرد اتحاد پیرامونی به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در گذشته - با توجه به این که این رژیم از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کرده بودند- بر ضرورت ارتباط با سایر بازیگران مسلمان غیر عربی منطقه مانند ترکیه و ایران یا کشورهای دارای هویت مسیحی مانند اتیوپی و همچنین اقلیتهای قومی غیر عرب و غیرمسلمان مانند کردها و ارمنه استوار بود. هسته اصلی این راهبرد جهش به آن سوی حلقه کشورهای عرب متخاصمی بود که رژیم اشغالگر قدس را محاصره کرده بودند تا از این طریق در درازمدت، زمینه خروج رژیم اشغالگر قدس از انزوای سیاسی در منطقه، به وجود آمده و منافع اقتصادی و امنیتی آن در برابر کشورهای عربی تأمین گردد. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

در راهبرد اتحاد پیرامونی جدید با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، آغاز فرایند صلح اعراب و رژیم اشغالگر قدس و تداوم سیاست ضد رژیم صهیونیستی ایران و تبدیل آن به مهمترین تهدید راهبردی رژیم صهیونیستی، مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق همجوار ایران تغییر یافته و حضور و نفوذ در نزدیکی مرزهای ایران و محاصره آن - به جای اعراب- در دستور کار سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس قرار گرفته است. رژیم اشغالگر قدس با توجه به این که جمهوری آذربایجان به دلایل خاص سیاسی، امنیتی، فرهنگی و تاریخی می‌تواند حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص دهد، این کشور را به عنوان نقطه عزیمت راهبرد «اتحاد پیرامونی جدید» خود قرار داده است بر این اساس جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای در راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس برخوردار شده است. (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۵)

بنابراین می‌توان گفت قرار گرفتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم اشغالگر قدس بستر حضور این رژیم در جمهوری آذربایجان است.

ذخایر انرژی مناسب و قابل دسترسی: جمهوری آذربایجان از ذخایر نفت و گاز قابل توجهی برخوردار است، حوزه نفت و گاز خزر که جمهوری آذربایجان یکی از پنج کشور دارنده و مالک آن به شمار می رود، از حوزه‌های مهم نفت و گاز جهان به شمار می‌رود و بعد از خلیج فارس و روسیه بیشترین ذخایر انرژی فسیلی را در خود جای داده است. چاه‌ها و حوزه‌های نفتی شناخته شده و قابل

بهره‌برداری جمهوری آذربایجان همگی در سواحل این کشور در دریای خزر قرار دارند، که مهمترین آنها عبارت‌اند از چهار حوزه گونشلی، چراغ، آذری و کپز. میزان ذخایر نفت این حوزه‌ها بر اساس گزارش‌های مطالعاتی و آماری بریتیش پترولیوم انگلیس و اداره اطلاعات انرژی دریای خزر آمریکا، ۷ میلیارد بشکه بر آورد شده است. البته رقم‌های مختلف دیگری نظیر ۶، ۱۲ و حتی ۲۷ میلیارد بشکه نیز در باره میزان ذخایر نفت این حوزه‌ها عنوان شده است. مهمترین حوزه گاز طبیعی جمهوری آذربایجان هم حوزه شاه دنیز است که گفته می‌شود اکتشاف در این حوزه بزرگترین اکتشاف گاز جهان طی چند سال اخیر بوده است. میزان ذخایر گاز طبیعی این کشور نیز از ۷۰۰ میلیارد تا ۲ تریلیون مترمکعب برآورد شده است. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۲۸)

وجود این مقدار از ذخایر انرژی در حوزه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان باعث شده تا کشورهای نیازمند و دارای مصرف بالای نفت و گاز، توجه ویژه‌ای به این کشور کرده و برای بهره‌مندی از این ذخایر، اهمیت زیادی به روابط خود با باکو قائل شوند. رژیم صهیونیستی در جهت کاهش مشکلات اقتصادی خود و در راستای عملیاتی کردن طرح نیل تا فرات اقتصادی، با گسترش روابط با کشور نفت‌خیز جمهوری آذربایجان، نفوذ قابل‌توجهی پیدا کرده است، بر اساس آمار رسمی جمهوری آذربایجان حجم کل تجارت جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس نزدیک ده میلیون دلار است و عمده‌ترین قلم صادراتی آذربایجان به رژیم غاصب صهیونیستی نفت است. رژیم اشغالگر قدس دومین کشور واردکننده نفت آذربایجان است. (غرایاق زندی، ۱۳۸۷: ۲۴۳)

در این میان شرکت صهیونیستی «سونول» از پرنفوذترین شرکت‌های استخراج نفت در عراق است. همچنین رژیم اشغالگر قدس با مشارکت در قرارداد تأمین امنیت خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و اعطای سالانه ۲۴ میلیون دلار به آذربایجان و گرجستان در راستای انتقال انرژی به دریای مدیترانه، هم اکنون ۳۰ درصد از نیاز نفتی خود را از این طریق تأمین می‌کند. (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۳۰)

بنابراین ذخایر انرژی مناسب جمهوری آذربایجان در حوزه‌های نفت و گاز برای رفع احتیاج رژیم اشغالگر قدس به این منابع، بستری برای حضور این رژیم در جمهوری آذربایجان است.

جمهوری آذربایجان به‌عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و قفقاز:
روسیه همواره تسلط بر مناطق پیرامونی خود را از اهداف مهم خود تعیین نموده است. شرایط

ژئوپلیتیک روسیه، عدم وجود قدرتهای همتراز در منطقه و ضعف قدرتهای محلی همه از وجوه بارز تمایل به توسعه طلبی از طرف روسیه بوده است. نگرش روسیه به جمهوری آذربایجان با حساسیت بیشتری دنبال می گردد، زیرا این کشور محل برخورد و چالش قدرتهای رقیب است. از این رو مسکو همواره برای این منطقه که محل تلاقی منافع آن با غرب است، اهمیت زیادی قائل است. روسیه سیاست های خود را به گونه ای تنظیم کرده است تا بر منابع انرژی و نیز خط لوله ای انتقال انرژی در منطقه تسلط داشته باشد. خط لوله ای انتقال نفت جمهوری آذربایجان از دوره ی شوروی، از مسیر روسیه عبور می کرد. هم اکنون روسیه در بسیاری از خطوط لوله انتقال انرژی منطقه سهام دار اصلی به شمار می رود. عملکرد روسیه در سال های گذشته حاکی از آن بوده که این کشور قصد دارد از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی در مقابل قدرتهای منطقه ای و جهانی استفاده نماید. (ریبیعی، ۱۳۸۹: ۳۹)

آنچه که مسلم است، روسیه با اتخاذ سیاست، درصدد دور کردن قدرتهای رقیب خارجی از منطقه است. حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان به نیابت از غرب از آنجاکه ممکن است در آینده با خروج آذربایجان از نفوذ روسیه همراه باشد برای روس ها بسیار نگران کننده است. جهت گیری کشور جمهوری آذربایجان برای عضویت در ناتو و جهت گیری در راستای ساختارهای غربی نگرانی روسیه را تشدید می نماید. از سوی دیگر روسیه نیز با اتخاذ سیاست های امنیتی خاص خود، همواره در نگهداری و حفظ این کشور راهبردی در حوزه ی حیاط خلوت خود تلاش می نماید. به عبارتی می توان گفت جمهوری آذربایجان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه ای و قفقاز است. (فیروزی، ۱۳۸۹: ۹۹)

بنابراین تلاش برای حضور در حیات خلوت روسیه از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان است.

امکان بهره برداری سیاسی به عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه: از آنجایی که رژیم اشغالگر قدس تلاش می کند با کشورهای مسلمان میانه رو که به این رژیم به دیده ی دگر هویتی خود نمی نگرند، رابطه برقرار نماید، جمهوری آذربایجان از اولویتهای اصلی این رژیم در منطقه است؛ و به دنبال ایجاد روابط مسالمت آمیز و به طور غایی اتحاد راهبردی با جمهوری آذربایجان است تا بتواند این کشور را در راستای سیاستهای خود هماهنگ گرداند و بخش زیادی از فشارهای وارده به این رژیم در رابطه با نوع تعامل با دنیای اسلام از میان برود. این امر گذشته از ایجاد

مشروعیت برای رژیم اشغالگر قدس، مناقشه فلسطین را نیز از بعد منطقه گرایی اسلامی خارج کرده و آن را تا حد یک مشکل سرزمینی و داخلی تقلیل خواهد داد. در واقع رژیم اشغالگر قدس به دنبال خارج کردن بعد اسلامی مبارزه با این رژیم و تضعیف عامل دین در مناقشه فلسطین است. جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه می تواند انزوای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین امکان بهره برداری سیاسی از جمهوری آذربایجان به مثابه یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان است.

اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه ای و بین المللی:

جمهوری آذربایجان در فرایند فعالیت ها و تحرکات دیپلماتی خود در عرصه های منطقه ای و بین المللی، تلاش می کند بر حضور و تأثیرگذاری خود افزوده و به عنوان کشوری مورد توجه، ایفای نقش نماید. نقطه آغاز چنین رویکردی در سیاست خارجی آذربایجان به زمان حیدر علی اف بر می گردد. وی پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۹۳، زمانی که موفق به برقراری آتش بس در جبهه های جنگ با ارمنستان در سال ۱۹۹۴ شد و گزینه مذاکره را - در برابر جنگ - برای حل بحران قره باغ برگزید، افزایش تحرک دیپلماتی کشورش در سطوح منطقه ای و بین المللی را به عنوان راهبرد اصلی باکو در روابط خارجی جمهوری آذربایجان ترسیم کرد. امضای توافق نامه احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان در سال ۱۹۹۴ با مشارکت و سرمایه گذاری آمریکا و اروپا که در برخی محافل و رسانه ها به عنوان قرارداد قرن لقب گرفت، اولین گام عملی ورود باکو در مسیر ترسیم شده بود.

با به قدرت رسیدن الهام علی اف در سال ۲۰۰۳ و تکیه وی بر کرسی ریاست جمهوری آذربایجان به عنوان جانشین پدر، سیاست ترسیم شده توسط حیدر علی اف، بدون ذره ای تغییر یا انحراف پیگیری شد و در حال حاضر نیز با جدیت و انگیزه مضاعف دنبال می شود. این کشور که از سال ۱۹۹۴، همکاری خود را با «ناتو» در قالب عضویت در «برنامه مشارکت برای صلح» آغاز کرده بود در سال ۲۰۰۶ نیز طی توافقی وارد همکاری های دوجانبه با این پیمان نظامی شد. در سطح منطقه ای نیز برقراری روابط راهبردی با ترکیه، اهتمام و الویت اول رهبران آذربایجان محسوب می شود. علاوه بر این، آذربایجان عضو «سازمان همکاری کشورهای حاشیه دریای سیاه» و «کشورهای ترک زبان» نیز هست

و در چارچوب این دو تشکل منطقه ای نیز فعالیت دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۵۴)

بنابراین اندیشه حاکمان جمهوری آذربایجان، برای کسب وجهه و مشروعیت بین‌المللی و تلاش در این راستا موجب نزدیکی این کشور به قدرتهای غربی شده است که خود بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

مساعده بودن جمهوری آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی: طی سالهای اخیر شرکت‌های دولتی و خصوصی صهیونیستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله نفتی و گازی، ساخت فرودگاه، گسترش راه‌آهن و صنایع الکترونیک در جمهوری آذربایجان فعال هستند و سهم بالایی در طرح‌های زیربنایی این کشور دارند به طور نمونه شرکت «یوسی گال» رژیم صهیونیستی در طرح‌های انتقال نفت و گاز «باکو، تفلیس، جیحان» و «باکو، تفلیس، ارض‌روم» و همچنین خط آهن «باکو- تفلیس- قارص» از شرکای اصلی جمهوری آذربایجان است. رژیم صهیونیستی‌ها با کمک شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به شدت در تلاش‌اند تا شهر «سومقائیت» آذربایجان را که در ۲۰ کیلومتری باکو قرار دارد به منطقه آزاد اقتصادی تبدیل کنند اجرای کامل این پروژه را رژیم اشغالگر قدس برعهده گرفته و قصد دارد نمونه‌ای از «دبی» در «خلیج فارس» را در «دریای خزر» احداث کند. (موسسه ندا، ۲۴۸: ۱۳۸۹)

سرمایه‌گذاری در بخش سامانه تلفن همراه آذربایجان با نام باکسل به‌عنوان اپراتور دوم و یا سرمایه‌گذاری در پروژه استخراج و حمل‌ونقل نفت آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس توسط شرکت سونول (این شرکت مسئولیت تأمین سوخت ارتش آمریکا در عراق را نیز بر عهده داشت)، در دیدار مسئولان این شرکت از جمهوری آذربایجان در مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۳ و ملاقات آنها با حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، ایشان با اشاره به این که در حال حاضر شرکت‌های نفتی متعددی از کشورهای جهان در منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند، گفت: «ما خوشحال می‌شویم که یک شرکت رژیم صهیونیستی نیز در فعالیتهای کشف و استخراج نفت و گاز در جمهوری شرکت کند.» در این دیدار رئیس شرکت نفتی رژیم اشغالگر قدس نیز با ابراز علاقمندی به فعالیت در جمهوری آذربایجان افزود: «ما در زمینه انتقال نفت و گاز طبیعی آذربایجان به ترکیه و از آن طریق به اروپا تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.» رئیس‌جمهور آذربایجان با استقبال از پیشنهاد شرکت رژیم صهیونیستی اظهار داشت: صادرات گاز طبیعی به اروپا از برنامه‌های بسیار

مهم ما در آینده است که می‌توانیم با شرکت شما درباره انتقال گاز صادراتی به بازارهای اروپا مذاکره کنیم.

بخش عمده تأمین امنیت خط لوله نفت باکو- تفلیس - جیحان بر عهده شرکتهای رژیم صهیونیستی گذاشته شد. در این راستا، سرویس اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس (موساد) و سرویس اطلاعاتی آذربایجان ضمن عقد قراردادهای دوجانبه در خصوص آموزش افسران آذری در رژیم اشغالگر قدس، اقدام می‌نمایند. در این رابطه خبرگزاری ایرنا در سال ۱۳۷۴ اعلام کرد که یک هیئت اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس در اوت ۱۹۹۵ وارد باکو شد. ایرنا این دیدار را به‌عنوان مأموریتی محرمانه برای آموزش مأموران امنیتی جمهوری آذربایجان توصیف کرد. روزنامه اوراسیا، چاپ باکو در ۲۶ آوریل ۱۹۹۸ در گزارشی تحلیلی از فعالیت‌های رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان علیه جمهوری اسلامی ایران نوشت: «افسران موساد در آذربایجان در راستای جلب همکاری اتباع ایرانی کشور آذربایجان فعالیت می‌کنند».

تسلط رژیم اشغالگر قدس بر یکی از مهمترین و حساسترین سیستم ارتباطی آذربایجان یعنی اپراتور دوم تلفن همراه این کشور که توسط شرکت رژیم صهیونیستی باکسل اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسانتر کرده است. با توجه به موارد اشاره‌شده در این بند می‌توان به این جمع‌بندی رسید که مساعد بودن جمهوری آذربایجان برای فعالیت شرکتهای صهیونیستی و چندملیتی، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

نیاز به رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان دروازه ورود به غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو: پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، این کشور نزدیکی به غرب را بستر راهبرد بلندمدت خود قرار داده است و همگرایی با غرب و پیوستن به ساختارهای اروپایی، جهت‌گیری و الویت اول باکو در سیاست خارجی است و در این راستا، جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۲، به عضویت «سازمان امنیت و همکاری اروپا» و در سال ۲۰۰۱، به عضویت «پارلمان اروپا» در آمد. این کشور از سال ۱۹۹۴، همکاری خود را با «ناتو» در قالب عضویت در «برنامه مشارکت برای صلح» آغاز کرد و در سال ۲۰۰۶ نیز طی توافقی وارد همکاری‌های دوجانبه با این پیمان نظامی شد. در سطح منطقه‌ای نیز برقراری روابط راهبردی با ترکیه، اهتمام و الویت اول رهبران آذربایجان محسوب می‌شود.

عضویت و فعالیت در چارچوب «سازمان همکاری‌های منطقه‌ای گوآم» (متشکل از اکراین، گرجستان، مولداوی آذربایجان) گزینه دیگر سیاست خارجی جمهوری آذربایجان است و در ارتباط با جهان اسلام نیز عضویت در «سازمان کنفرانس اسلامی» و حتی المقدور استفاده از موقعیت این سازمان برای حل پاره‌ای از مشکلات نظیر مناقشه قره‌باغ برای این کشور اهمیت دارد. علاوه بر این، آذربایجان عضو «سازمان همکاری کشورهای حاشیه دریای سیاه» و «کشورهای ترک زبان» نیز هست و در چارچوب این دو تشکل منطقه‌ای نیز فعالیت دارد. البته برای خالی نبودن عریضه، این کشور با مدتی تأخیر در سال ۱۹۹۵، به عضویت «جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع»^۱ نیز که با فروپاشی شوروی اعلام موجودیت کرد، در آمد. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۵۴)

از طرفی جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان می‌تواند انزوای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تأثیر قرار دهد و این مسئله برای آمریکا، حائز اهمیت است. از طرف دیگر، تل‌آویو در اتحادیه اروپا از نفوذ زیادی برخوردار است و می‌تواند تمایل جمهوری آذربایجان در ورود به ناتو که از اهداف بلندمدت این کشور در نزدیکی به غرب محسوب می‌شود و با موانع عدیده‌ای روبه‌روست را حل کند؛ بنابراین احتیاج جمهوری آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس به عنوان دروازه ورود به غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو، بستر حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

جمهوری آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم اشغالگر قدس: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقش رژیم اشغالگر قدس به عنوان سد کننده توسعه نفوذ کمونیسم از بین رفت. همچنین به دلیل حمله صدام حسین به کویت و آغاز جنگ خلیج فارس و به دنبال آن ورود مستقیم نیروهای غربی به منطقه، نقش و جایگاه رژیم اشغالگر قدس در چارچوب راهبرد غرب مورد تردید قرار گرفت و مسئله فرایند صلح اعراب و رژیم اشغالگر قدس و لغو تحریم‌های این رژیم از سوی پاره‌ای از کشورهای عربی نیز این مطلب را تقویت کرد. در واقع، فروپاشی شوروی اهمیت ژئوپلیتیک رژیم اشغالگر قدس را به عنوان جزیره امن و پایگاه قابل اعتماد غرب در خاورمیانه تقلیل داد. (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۲۱۶)

رژیم اشغالگر قدس برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای خود با بزرگنمایی خطر ایران و اسلام‌گرایی توانست نظر دولت آذربایجان را که به دلیل وجود زمینه‌های مذهبی و همگرایی مردم کشورش و ایران از این ناحیه احساس خطر می‌نمود را جلب و به‌عنوان تهدید مشترک معرفی نماید. حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان که حیات خلوت یا خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شود، موجب بازسازی موقعیت خود به‌عنوان متفق راهبردی آمریکا و بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم اشغالگر قدس در سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان هژمونی منطقه‌ای، گردید؛ بنابراین یکی از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان، تلاش برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای این رژیم در سیاست خارجی آمریکا با حضور در حیات خلوت روسیه یعنی جمهوری آذربایجان است.

حضور ترکیه و نقش تسهیل‌کنندگی برای تحکیم روابط آذربایجان با رژیم اشغالگر قدس: با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، هم‌پوشانی منافع میان رژیم اشغالگر قدس و ترکیه در راهبرد سیاسی امنیتی این دو کشور برای حفظ و توسعه منافعشان در آذربایجان و در قبال مناسبات سیاسی آنان با آمریکا است. این همکاری بر اساس منافع و نگرانی‌های مشترک دو کشور در جمهوری آذربایجان شکل گرفته و تقویت شده است. در این میان ترکیه به علت حمایت کامل آمریکا از رژیم اشغالگر قدس، مقابله بانفوذ رقبای مشترک آنان به‌ویژه ایران و بهره‌گیری از توانایی‌های مشترک رژیم اشغالگر قدس و ترکیه برای نفوذ در جمهوری آذربایجان به بسط روابط خود با رژیم اشغالگر قدس اقدام کرده است. از سوی دیگر رژیم اشغالگر قدس نیز در راستای توسعه نفوذ خود در خاورمیانه و قفقاز تلاش کرده است تا از طریق یک دولت منطقه‌ای و اسلامی به نفوذ بیشتری در کشورهای منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان دست یابد و حساسیت دولتهای منطقه نسبت به رژیم اشغالگر قدس را کاهش دهد. بر این اساس ترکیه، نقش اصلی، کلیدی و واسطه‌ای را در تقویت حضور این رژیم در منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان داشته است. به گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌های صهیونیستی با پوشش فعالیت‌های تجاری شرکت‌های ترک وارد کشورهای این منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان می‌گردند. (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۰)

ادغام سرمایه و منابع مالی یهودی صهیونیستی بانفوذ فرهنگی، سیاسی و تاریخی ترکیه در منطقه قفقاز، نفوذ رژیم اشغالگر قدس در کشوری چون آذربایجان را تسهیل می‌کند. یک دیپلمات رژیم صهیونیستی در ترکیه می‌گوید: «رژیم اشغالگر قدس درصدد است در مورد سرمایه‌گذاری در قفقاز

تنها با ترکیه شریک شود زیرا رژیم اشغالگر قدس از مجرای بازرگانان و تجار ترک آسانتر به جمهوری‌های تازه استقلال یافته این منطقه راه خواهد یافت. «(غریباق زندگی، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

بنابراین می‌توان گفت نفوذ ترکیه در جمهوری آذربایجان تسهیل‌کننده حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان است.

جمهوری آذربایجان به‌عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای میانه: رژیم اشغالگر قدس، آذربایجان را دروازه ورود به منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و ترکیه را واسطه این کار می‌داند و به همین جهت این رژیم با توسعه روابط اقتصادی خود با آذربایجان سعی دارد از آذربایجان به‌عنوان پل ارتباطی خود با کشورهای آسیای میانه استفاده کند، یعنی با راه‌اندازی صنایع نفتی و تولیدی کشورهای این منطقه تنها راه مطمئن جهت رسیدن این محصولات از دریای خزر و آذربایجان باشد، چرا که مسیرهای ایران به جهت غیرعملی بودن و داشتن روابط خصمانه ممکن نیست و مسیر افغانستان و پاکستان نیز به جهت عدم تأمین امنیت لازم در زمان حال امکان ندارد. بنابراین تنها گزینه اقتصادی و قابل انجام مسیر آذربایجان است. به همین جهت صهیونیست‌ها با کمک آمریکا و شرکت‌های اروپایی به شدت در تلاش‌اند تا شهر سومقائیت آذربایجان که در حدود ۲۰ کیلومتری باکو قرار دارد را به منطقه‌ی آزاد اقتصادی تبدیل کنند. اجرای این پروژه‌ی عظیم را شرکت‌های صهیونیستی بر عهده‌دارند و رژیم اشغالگر قدس قصد دارد با اجرای این پروژه، منطقه‌ی سومقائیت آذربایجان را به‌عنوان منطقه‌ی آزاد دریای خزر مبدل سازد و نمونه‌ای از دبی در خلیج فارس را در دریای خزر احداث کند. (موسسه ندا، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی بهره‌برداری شده به لحاظ نوع پژوهشی کاربردی است. در ضمن از روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی و اینترنتی) و پرسشنامه (میدانی) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده و از آزمون خی دو داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل و با استفاده از آزمون فریدمن اولویت بندی انجام گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

همسایگی با ج.ا.ا، حاکمان سیاسی سکولار، امکان بهره‌برداری سیاسی از جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه مهمترین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

N	Valid	۷۲۰
	Missing	۰
Mean		۴۰۱۶۷
Std. Error of Mean		۰۰۳۱۲۶
Median		۴۰۰۰۰
Mode		۴۰۰
Std. Deviation		۸۳۸۷۴
Variance		۷۰۳۴۸
Skewness		-.۵۵۶
Std.		۰۰۹۱
Kurtosis		-.۲۱۰
Std.		۰۱۸۲
Range		۴۰۰
Minimum		۱۰۰
Maximum		۵۰۰
Sum		۲۸۹۲۰۰

جدول ۱. شاخص‌های آماری فرضیه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	۱۰۰	۱	۰.۱	۰.۱	۰.۱
	۲۰۰	۳۳	۴.۶	۴.۶	۴.۷
	۳۰۰	۱۴۲	۱۹.۷	۱۹.۷	۲۴.۴
	۴۰۰	۳۲۱	۴۴.۶	۴۴.۶	۶۹.۰
	۵۰۰	۲۲۳	۳۱.۰	۳۱.۰	۱۰۰.۰
	Total	۷۲۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

جدول ۲. توزیع فراوانی فرضیه

داده‌های جدول ۱ (جدول شاخص‌های آماری) نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد توزیع به ترتیب ۴۰۱، ۸۳ و ۸۳ است. توزیع از کجی منفی برخوردار بوده و در نقطه اوج خود نسبت به توزیع نرمال دارای خوابیدگی است. کمینه و بیشینه نمرات نیز بین ۱ تا ۵ در نوسان است. توزیع مربوط به فراوانی (جدول ۲) نیز نشان می‌دهد که ۷۵،۶ درصد پاسخ دهندگان در حد زیاد و خیلی زیاد نسبت به محتوای فرضیه‌ی تحقیق نظر مساعدی دارند.

	Observed N	Expected N	Residual
۱.۰۰	۱	۱۴۴.۰	-۱۴۳.۰
۲.۰۰	۳۳	۱۴۴.۰	-۱۱۱.۰
۳.۰۰	۱۴۲	۱۴۴.۰	-۲.۰
۴.۰۰	۳۲۱	۱۴۴.۰	۱۷۷.۰
۵.۰۰	۲۲۳	۱۴۴.۰	۷۹.۰
Total	۷۲۰		

	FARZ
Chi-Square(a)	۴۸۸،۵۰۰
df	۴
Asymp. Sig.	،۰۰۰

جدول ۳. آزمون خی دو

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ارزش خی دوی مشاهده شده (۴۸۸،۵) در درجه آزادی ۴ معنی‌دار است در نتیجه استنباط می‌شود که فرضیه‌ی تحقیق تایید می‌شود.

Mean Rank	بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان
۱۱.۰۷	نوع نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی
۹.۷۳	احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف (با هدف رفع بحران هویت منطقه‌ای)
۹.۶۳	قرار داشتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی
۹.۷۰	امکان بهره‌برداری سیاسی از آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه
۸.۵۹	نیاز به لابی رژیم اشغالگر قدس در مقابله لابی ارامنه
۷.۷۷	نیاز جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی به عنوان دروازه ورود به غرب به ویژه آمریکا

۷.۴۰	ذخایر انرژی مناسب و قابل دسترسی در جمهوری آذربایجان
۵.۷۹	جمهوری آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی پس از جنگ سرد
۸.۱۲	مساعدبودن آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و مخابرات
۹.۲۴	ژئوپلتیک خاص جمهوری آذربایجان (قرارگرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای میانه، روسیه، خاورمیانه و اروپا)
۸.۶۷	نیاز ج آذربایجان به کمک‌های علمی و تکنولوژیکی برای تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی کشاورزی و نظامی
۱۲.۷۹	همجواری و مرز مشترک ج آذربایجان با ج.ا.
۷.۵۷	جمهوری آذربایجان به عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلتیک منطقه‌ای و قفقاز
۷.۰۶	اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی
۶.۰۸	نقش تسهیل‌کنندگی ترکیه برای برقراری و تحکیم ارتباط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی
۸.۳۲	نگاه رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان به عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای میانه

جدول ۴- آزمون فریدمن

N	۴۵
Chi-Square	۱۱۵.۸۹۳
df	۱۵
Asymp. Sig.	.۰۰۰

داده‌های جدول ۴ (آزمون فریدمن) نشان می‌دهد که ارزش خی دوی مشاهده‌شده (۱۱۵.۸۹) در درجه آزادی ۱۵ معنی‌دار است در نتیجه بین میانگین‌های رتبه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به‌طوری که سؤال دوازدهم با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۱۲.۷۹) و سؤال هشتم با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۵.۷۹) قرار دارد. ارزش میانگین رتبه‌ای سایر سؤالها در جدول فوق آمده است.

نتیجه گیری

نظریه اول که تحقیق پیش رو به صورت مشخص بر چارچوب آن استوار است؛ نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز است که معتقد است به علت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با رژیم صهیونیستی، امکان همکاری های سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نیست و رژیم صهیونیستی بایستی به دنبال کشورهای غیر عرب منطقه باشد. نظریه دوم طرح پیرامونی^۱ توسط استراتژیست های رژیم صهیونیستی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار شد و آن اشاره دارد به وضعیت کشور کوچکی که در بین همسایگان متخاصم بزرگ قرار گرفته است. در واقع کشور کوچک هفت میلیونی رژیم صهیونیستی در محاصره کشورهای چند صد میلیونی عرب خاورمیانه قرار گرفته و امکان داشتن روابط عادی اقتصادی و امنیتی با آنها را دارا نیست. بدین سبب بن گوریون اولین (نخست وزیر رژیم صهیونیستی) و دیگر استراتژیست های رژیم صهیونیستی این گونه اظهار نمودند که رژیم صهیونیستی به عنوان یک جزیره ای است در میان دریای مسلمان که می بایست از میان برخی کشورهای ساکن در حوزه خارج دنیای عرب برای خود دوستان و هم پیمانی را پیدا نماید. محدوده طرح پیرامونی می تواند در طول زمان تغییر نماید. (تقی پور، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

با توجه به دیدگاه های نظری اشاره شده، بدون شک رژیم صهیونیستی به دنبال اخذ هم پیمانی در ژئوپلیتیک قفقاز با تکیه بر راهبرد اتحاد مبتنی بر اصل پیرامونی این رژیم با اولویت مسلمان بودن است. با توجه به مباحث اشاره شده در این پژوهش، به نظر می رسد جمهوری آذربایجان واجد شرایط مناسب در طرح اتحاد پیرامونی جدید، برای رژیم صهیونیستی است. و حداقل های لازم را برای برقراری روابط دیپلماتیک مناسب و قابل تبلیغ برای آن رژیم دارد. نیازمندی های دو طرف را می توان به شرح زیر تلخیص نمود: رژیم صهیونیستی بنا به دلایل کسب مشروعیت منطقه ای و خروج از انزوا، بهره مندی از منابع سرشار نفت و گاز جمهوری آذربایجان وجود یهودیان در این کشور، همجواری جمهوری آذربایجان با ایران به عنوان دشمن درجه یک این رژیم، پیگیری عادی سازی روابط با کشورهای مسلمان و غیر عرب به دنبال برقراری ارتباط با کشور جمهوری آذربایجان است که ظرفیت لازم برای حضور این رژیم را دارد. اما مهمترین مسئله این است که

^۱ .Periphery Strategy/ Periphery Plan

جمهوری آذربایجان از چه بسترهایی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ از این رو محقق در قالب این تحقیق به شناسایی و تبیین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر در این کشور پرداخته است. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که به ترتیب اولویت، متغیرهای زیر به عنوان اصلی‌ترین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس به حساب می‌آیند:

- همجواری و مرز مشترک جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران
- نوع نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی
- احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف (باهدف رفع بحران هویت منطقه‌ای)
- امکان بهره‌برداری سیاسی از جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه
- قرار داشتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد مبتنی بر اصل پیرامونی رژیم صهیونیستی
- نیاز جمهوری آذربایجان به متحدان راهبردی و بانفوذ برای بازپس‌گیری قره‌باغ
- موقعیت ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان (قرار گرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای میانه، روسیه، خاورمیانه و اروپا)
- نیاز جمهوری آذربایجان به کمک‌های علمی و فناورانه برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشاورزی و نظامی

- نگاه رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان به‌عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای میانه
- مساعد بودن آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی در حوزه‌های اقتصادی و فناوری

- نیاز جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی به‌عنوان دروازه ورود به غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو
- جمهوری آذربایجان به‌عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه قفقاز
- ذخایر انرژی مناسب و قابل‌دسترسی در جمهوری آذربایجان
- اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی
- نقش تسهیل‌کنندگی ترکیه برای برقراری و تحکیم ارتباط ج آذربایجان با رژیم صهیونیستی
- جمهوری آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی پس از جنگ سرد

پیشنهاد

مسئولین کشور می‌بایست به این نکته اساس توجه کنند که برای هر کشور و نظام سیاسی آن شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی آن را تهدید می‌کند از اولویت اساسی برخوردار است. زیرا اینگونه تهدیدات به راحتی می‌توانند در راه حرکت عمومی و مسیر پیشرفت و توسعه یک جامعه، موانع جدی ایجاد نموده یا موجودیت و هویت ملی یک کشور را به مخاطره اندازند. جمهوری آذربایجان، به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک ممتاز، مورد توجه سیاسی، امنیتی و اقتصادی بازیگران فرا منطقه‌ای و متعارض با ج.ا.ا از جمله رژیم اشغالگر قدس است.

منابع:

- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی رژیم صهیونیستی، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات راهبردی خاورمیانه.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری ایلامی ایران، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۶). کتاب سبز جمهوری آذربایجان، تهران، نشر وزارت امور خارجه
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۴). روابط ایران و جمهوری آذربایجان (نگاه آذری‌ها به ایران)، تهران، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول
- برندا، شیفر، (۱۳۸۶). پژوهش راهبردی تحلیل برندا شیفر از دشواری‌های امنیتی ایران در منطقه آذربایجان، ترجمه قدیر نصری، تهران، مرکز مطالعات کاربردی فارابی، چاپ اول
- تقی‌پور، محمد، (۱۳۸۳). استراتژی پیرامونی رژیم صهیونیستی، تهران، نشر موسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی
- ساجدی، امیر، (۱۳۹۰). طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و رژیم صهیونیستی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۸۸). رژیم اشغالگر قدس و امنیت ملی، تهران، مرکز مطالعات کاربردی فارابی
- صفری نژاد، داریوش، (۱۳۸۵). صهیونیسم مطبوعات آذربایجان، دوماهنامه ایراس، شماره ۱۲.
- غریباق زندی، داود، (۱۳۸۷). محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- حجت شمامی، رضا، (۱۳۸۸). رژیم صهیونیستی در جستجوی هویت گمشده در آذربایجان، دوماهنامه ایراس، شماره ۲۳
- خلیلی، ابراهیم، (۱۳۸۸). فعالیت اطلاعاتی جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده فارابی،
- قربانی خالسرایی، (۱۳۸۵). عباس، قوم‌گرایی و روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم سیاسی،
- کیانی، مرتضی، (۱۳۹۰). کشور بیست‌ساله، ماهنامه زمانه، شماره ۱۷
- مؤمنی، قاسم، (۱۳۸۳). «کتاب خاورمیانه- جامعه یهودیان آذربایجان»، تهران، نشر ابرار معاصر

- میرمحمدی، سید رضا، (۱۳۸۷). جمهوری آذربایجان در نگاهی گذرا ، دوماهنامه ایراس، شماره
- هاشمی، غلامرضا، (۱۳۸۷). امنیت در قفقاز جنوبی، تهران ، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- Sajedi, Amir, (۲۰۰۸), Way Palestine-Israel Peace is not
eallizing?, India Quarterly, A Journal of Affairs, Vol LXIV , NO ۳. ۱
- . <http://borhan.ir>
- . [http:// www.azernews.net](http://www.azernews.net)
- <http://www.amyisrael.co.il>